

<https://dx.doi.org/10/30510/psi.2022/267294/1453>

The relationship between the foreign policy of Mohammad Khatami's government in the formation of political development and its impact on the international system

Abstract

Examining the relationship between the foreign policy of Mohammad Khatami's government in the formation of political development, shows that the discourse of Khatami's foreign policy has always affected different chapters of development and in the long run has affected various economic, cultural and political indicators in the international system. The study of the mentioned relationship in the Islamic Republic of Iran shows that during Khatami's presidency, by prioritizing the will and sovereignty of the people, it acts in order to expand the components of democracy. In this study, we seek to answer the question that the formation of political development in What positive effects can Khatami's foreign policy discourse have on the international system? The findings of the study are based on the assumption that the Khatami government's policy of de-escalation in the framework of reforms has led to the growth of components of political development, which in turn has affected the international system in various cultural, economic and political aspects. The purpose of this study is to show the relationship between the foreign policy of Khatami's government in the formation of political development and alignment with global equations, which has had far positive political and cultural effects on democracy and freedom and the approximation of ideas and religions for international peace. In this period, the perspective of the relationship of foreign policy in creating political development, important effects in the international system in accepting cultural pluralism, which means opposition to the unipolar system, as well as results such as peace and friendship in the global paradigm and participation of all countries and nations. There has been a change in the conditions governing the international system

Keywords: Mohammad Khatami, political development, detente, dialogue of civilizations, world peace, international system.

واکاوی رابطه سیاست خارجی دولت محمد خاتمی در شکل گیری توسعه سیاسی و تأثیرات آن بر نظام بین الملل

حسین تفضلی^۱

رضا محمدیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

بررسی رابطه سیاست خارجی دولت محمد خاتمی در شکل گیری توسعه سیاسی، نشان می‌دهد که گفتمان سیاست خارجی خاتمی همواره ابواب مختلف توسعه را تحت تأثیر قرار داده و در دراز مدت شاخص‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در نظام بین المللی متأثر ساخته است. بررسی رابطه مذکور در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در دوره ریاست جمهوری خاتمی با اولویت بخشی به اراده و حاکمیت مردم، در راستای بسط مولفه‌های دموکراسی خواهی عمل می‌نماید. ما در این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال هستیم که شکل گیری توسعه سیاسی در گفتمان سیاست خارجی خاتمی، چه تأثیرات مثبتی می‌تواند بر نظام بین المللی داشته باشد؟ یافته‌های تحقیق بر این فرض مبتنی است که سیاست تنش زدایی دولت خاتمی در چارچوب اصلاحات، رشد مولفه‌های توسعه سیاسی را به دنبال داشته است و این امر به نوبه خود نظام بین المللی را از جهات مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متأثر ساخته است. هدف تحقیق مذکور نشان دادن رابطه سیاست خارجی دولت خاتمی در شکل گیری توسعه سیاسی و هم‌سویی با معادلات جهانی است که به مراتب اثرات مثبت سیاسی و فرهنگی در زمینه تحقق دموکراسی و آزادی خواهی و تقریب افکار و مذاهب در راستای صلح بین المللی داشته است. در این دوره چشم انداز رابطه سیاست خارجی در ایجاد توسعه سیاسی، تأثیرات مهمی در عرصه نظام بین المللی در پذیرش پلورالیسم فرهنگی که مفهوم آن مخالفت با نظام تک قطبی است و همچنین نتایجی چون صلح و دوستی در پارادایم جهانی و مشارکت همه کشورها و ملت‌ها در تغییر شرایط حاکم بر نظام بین المللی داشته است.

کلیدواژگان: محمد خاتمی، توسعه سیاسی، تنش زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، صلح جهانی، نظام بین الملل.

۱- استاد یار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده

مسنول) tafazzoli_hossein@yahoo.com

۲- دانشجوی دکترا رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران rezamohammadian42@yahoo.com

سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی مبتنی بر تنش‌زدایی و طرح گفتگو و مذاکره در چارچوب نظام بین‌المللی در راستای تحقق صلح پایدار جهانی است. براین اساس، سیاست توسل به زور در حل مسایل بین‌المللی جای خود را به توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز از طریق گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه می‌دهد (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۲۰). بر این اساس، نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها را می‌توان نتیجه اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران در عرصه جهانی و بین‌المللی دانست که در این برهه تاریخی اسباب مفاهمه و گفتگو در سطح نظام بین‌المللی را بیش از پیش هموار می‌ساخت.

نقش جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل را به عنوان بازیگری منادی صلح و گفتگو تغییر داد؛ تا جایی که در این برهه تاریخی، جمهوری اسلامی ایران به واسطه طرح شعارهای صلح طلب در قالب گفتگوی تمدن‌ها، نقش موثری در شکل‌گیری ائتلاف جهانی علیه خشونت و افراطی‌گری و تثبیت مولفه‌های دموکراسی خواهی چون آزادی بیان و عقیده در راستای تقریب دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر داشته است که زمینه صلح پایدار جهانی را در نظام بین‌المللی هموار نموده است. رویکرد مزبور، برای نخستین بار به فرآیند جهانی شدن و الزامات حاکم بر آن در نظام جمهوری اسلامی ایران انجامید که الگوها و قواعد نظام بین‌الملل را در راستای گفتگوی بین‌الذلهانی و پذیرش پلورالیسم فرهنگی متأثر می‌ساخت.

سطح جهانی نیز با ارائه طرح گفتگوی تمدن‌ها و تقریب افکار و مذاهب و فرهنگ‌ها، منادی آزادی بشر از حصار عقیده و دکماتیسم و رد افراطی‌گری و خشونت و تروریسم در سطح نظام بین‌المللی را به همراه داشت که به نوبه خود حکایت از تأثیر دامنه توسعه سیاسی دولت خاتمی در نظام بین‌المللی در راستای ائتلاف صلح پایدار جهانی می‌کند.

اهداف پژوهش:

۱- هدف تحقیق مزبور اینست که نشان دهد دولت خاتمی به واسطه سیاست خارجی مبتنی بر تفاهم و گفتگو و بارش مولفه‌های دموکراسی خواهی، ظرفیت‌های جدیدی در راستای تحقق توسعه سیاسی چون گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، فعالیت آزادانه احزاب و ... ایجاد نماید.

۲- پی بردن به اینکه سیاست تنش‌زدایی دولت خاتمی با تأکید بر گفتمان توسعه‌گرای سیاست محور، به اقداماتی در زمینه گسترش احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و تحقق جامعه مدنی در راستای دموکراسی خواهی انجامید

۳- هدف تحقیق مذکور نشان دادن رابطه سیاست خارجی دولت خاتمی در شکل‌گیری توسعه سیاسی و هم‌سویی با معادلات جهانی است که به مراتب اثرات مثبت سیاسی و فرهنگی در زمینه تحقق دموکراسی و آزادی خواهی و تقریب افکار و مذاهب در راستای صلح بین‌المللی داشته است.

روش پژوهش:

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی با روش گردآوری کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی شامل مقالات موجود آرشیو معتبر تهیه گردیده است.

سؤال اصلی: این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به تشریح این مسأله می‌پردازد که سیاست خارجی دولت خاتمی چه تأثیری در شکل‌گیری و رشد مولفه‌های توسعه سیاسی داشته و ارتباط مذکور اساساً چه تأثیری بر نظام بین‌المللی داشته است؟

فرضیه: در پاسخ به سؤال تحقیق، فرض بر این است که سیاست تنش‌زدایی دولت خاتمی با تأکید بر گفت‌وگو توسعه‌گرای سیاست محور، به اقداماتی در زمینه گسترش احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و تحقق جامعه مدنی در راستای دموکراسی خواهی انجامید و چنین ارتباطی نقش جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل را به عنوان بازیگری منادی صلح و گفتگو تغییر داد.

نقش جمهوری اسلامی ایران در این برهه تاریخی با سیاست تنش‌زدایی و تفاهم و گفتگو، به عنوان بازیگری فعال در عرصه نظام بین‌المللی با تجلی‌گفتگوی بین‌الذہانی و هنجارهای مشترک دینی و فرهنگی، تحقق دموکراسی بین‌المللی و صلح پایدار جهانی را به تصویر می‌کشد که جمهوری اسلامی را به عنوان کانون صلح و دوستی در منطقه و عرصه نظام بین‌المللی نمودار می‌سازد.

با این تفاسیر، ایده همکاری در منطقه خاورمیانه با کشورهای عربی به جای رقابت، مخاصمه و تنش، و گفتگو و تعامل با غرب، مدل سیاست خارجی ایران در پرتو دیپلماسی و صلح بین‌المللی قرار می‌گیرد و الگوی اسلام‌رحمانی جایگزین اسلام‌رادیکال می‌گردد که پلورالیسم فرهنگی و دینی محور اساسی آن را شکل می‌دهد. عناصر مزبور، با تأثیر بر نظام بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کانون صلح جهانی معرفی می‌نماید.

پیشینه تحقیق

تحقیق مذکور، تحقیقی است که دامنه آن علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را دربرمی‌گیرد. در این زمینه آثار متعددی به نگارش درآمده است؛ لیکن، هر یک آثاری است که از روزنه‌ای خاص و محدود به برخی از جوانب تحقیق حاضر نگریسته است. با این همه، برخی آثار پژوهشی نزدیک به موضوع مقاله حاضر وجود دارد که می‌توان از یافته‌ها و نتایج آنها استفاده نمود.

حسن زاده (حسن زاده، ۱۳۸۹: ۳۵) در **اسلام سیاسی در ایران**، به تشریح ابعاد مختلف توسعه و اصول و مبانی آن پرداخته‌اند. در هر یک از این دو کتاب به تعریف توسعه و اصول و مبانی آن در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و به این نکته اشاره شده است که مفهوم توسعه در جمهوری اسلامی تعریف واحدی ندارد و دولت‌های مختلف بنابر دیدگاه‌ها و رویه‌های متفاوت، تعریفی مشخص و واحد از این مقوله ارائه داده‌اند. در این آثار همچنین اشاره شده که مفهوم توسعه (علی‌الخصوص توسعه سیاسی) در دولت خاتمی مطابق با مولفه‌ها و مبانی جامعه مدرن و اصول مدرنیته رنگی متمایز به خود می‌گیرد و شاکله‌ها و ابعاد توسعه سیاسی (چون دموکراسی و مردم‌سالاری، حکومت قانون، آزادی‌های مدنی و ...) با مقولات و مولفه‌های جامعه اسلامی درهم می‌آمیزد و رفرمیسم اسلامی در قالب اصلاحات و نواندیشی دینی، جانی تازه به پیکره اجتماع می‌دهد.

سلطانی (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی» به این مسئله می‌پردازد که جمهوری اسلامی چه سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای تحقق توسعه سیاسی بعد از انقلاب اسلامی به کار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بعد از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تثبیت نهادهای انتخابی، دولت‌ها در برنامه‌ها و سیاست‌های خود جهت‌گیری متفاوتی در راستای توسعه سیاسی داشته‌اند و هر یک با جوانبی خاص به تعریف شاخص‌های توسعه سیاسی پرداخته‌اند. در این تحقیق به

تشریح رابطه سیاست خارجی در شکل‌گیری توسعه سیاسی و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل پرداخته نشده است.

۲- مبانی نظری

گفتمان سیاسی

مبانی نظری تحقیق مستلزم شناخت شرایط حاکم بر گفتمان سیاسی کشور در دوره ریاست جمهوری خاتمی است که مطابق با اقتضائات حاکم بر منطقه و نظام بین‌الملل، پارادایمی متمایز را در این دوره رقم می‌زند. درک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی است که بر دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی حاکم بوده است. جمهوری اسلامی ایران در این برهه تاریخی تلاش نمود تا از گفتمان ایدئولوژی اسلامی با توجه به شکل‌گیری شرایط جدید دوری جوید. با این اوصاف پس از خرداد ۱۳۷۶ با تحولی در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی مواجه می‌شویم؛ به این ترتیب که مشروعیت اثباتی، جایگزین مشروعیت سلبی یعنی دوری‌گزیدن از دشمن تراشی و طرح شعارهای پرخاشگرانه و تحریک‌کننده می‌گردد (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). چارچوب نظری تحقیق گفتمانی را به تصویر می‌کشد که با شرایط تاریخی سقوط شوروی سابق و مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی در هم می‌آمیزد. به همین دلیل شکل‌گیری سیاست خارجی متناسب با کشورهای همسایه با توجه به شرایط جدید، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۵). در این دوره گفتمان اصلاحات توانست با طرح شعار استقرار جامعه مدنی، تکیه بر رأی مردم و انتخابات آزاد، توأم بودن اسلامیت و جمهوریت در نظام سیاسی و ملازم بودن حق و تکلیف شهروندان و حکومت، زمینه‌های شکل‌گیری توسعه سیاسی را به سمت اهداف والای آزادی و برابری مهیا سازد که به نوبه خویش پیشاهنگ تحول در منطقه و نظام بین‌المللی می‌باشد می‌توان نتایج تأثیرات سیاست خارجی خاتمی در شکل‌گیری توسعه سیاسی را، رفتار خارجی مسالمت‌گرا و تنش‌زا در مرحله دو جانبه‌گرایی و گفتگوی تمدن‌ها در عرصه چند جانبه‌گرایی دانست که ابواب مختلف سیاسی و فرهنگی نظام بین‌المللی را متأثر می‌سازد. (امیدوار، ۱۳۸۷: ۱۴۲) سیاست مبتنی بر تنش‌زدایی و تهدید‌زدایی دولت خاتمی، تعامل و گفتگو را محور اساسی و بنیادی گفتمان سیاست خارجی در منطقه و نظام جهانی قلمداد می‌نماید. گفتگو و مذاکره در راستای رسیدن به تفاهم و صلح جهانی مهمترین رهیافت سیاست خارجی دولت خاتمی است که با دیدگاه سازه‌انگاری^۱ و رهیافت جامعه بین‌المللی معنا و مفهوم می‌یابد (احتشامی، ۱۳۹۰: ۱۵). پارادایم فکری خاتمی در چارچوب سازه‌انگاری با اصالت بخشی به تکثر فرهنگی، هنجارها و قواعد مشترک بین‌المللی را محور گفتگو و تفاهم جهانی می‌داند و در این زمینه با پذیرش فرهنگ‌های مختلف و متنوع در جهان، به فهم‌هایی بیندهنی در روابط میان دولت‌ها و کشورها در راستای بسط مولفه‌های توسعه سیاسی من جمله دموکراسی خواهی و حاکمیت قانون می‌انجامد. (تاجیک، ۱۳۸۲: ۴۵) وجه به این نکته حائز اهمیت است که در سازه‌انگاری کنش‌گران به وسیله محیط بین‌المللی شکل می‌گیرند و از طرف دیگر بر آن تأثیر می‌گذارند و در واقع بخشی از عرصه کنش‌های متقابل بازیگران است (Orjinta, 2011: 27). در همین ارتباط کراتوچویل^۲ و کاتزنشتاین^۳ نظریه پردازان سازه‌انگاری روابط بین‌الملل، بیان می‌کنند که «بازیگران در قالب تصورات خود که برآمده از محیط داخلی، اسطوره‌ها، جهان‌بینی‌ها و باورهای عمومی آنهاست، وارد عرصه بین‌المللی

^۱Constructivism

^۲Krotchwill

^۳Katzenstein

می‌شوند» (Katzenstein, 1996: 58-65). برای سازه‌انگاران، هویت‌ها بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند و هویت در داخل برای هویت، منافع و رفتارهای دولت در خارج، امکانات و نیز محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورد؛ بنابراین دولت نیاز دارد از طریق یک نوع هویت ملی در داخل برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی که روی هویت آن در خارج تأثیر می‌گذارد عمل کند (Wendt, 1999: 35). در واقع سازه‌انگاری معتقد است ساختار نظام بین‌الملل به عنوان یک کل متشکل از کارگزارانی است که ضمن تأثیر کارگزاران، نظام نیز بر آنها موثر است (Nugroho, 2008: 88).

۳- تاریخچه

تاریخچه تحقیق مذکور مستلزم آگاهی از تاریخچه متغیرهای اساسی موضوع تحقیق و ورود آنها به عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. گفتمان تنش‌زدایی یا تشنج‌زدایی برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در عرف بین‌الملل و بویژه در روابط آمریکا و شوروی سابق رایج شد. این اصطلاح به معنی تخفیف تنش بین دولت‌ها یا پایان دوران تیرگی روابط و برطرف کردن اختلاف‌ها نه از طریق زور، تهدید یا شمشیر کشیدن به روی یکدیگر بلکه از طریق مسالمت‌آمیز و نشست‌دور میز مذاکره است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۱۷۶). آغاز ورود این گفتمان به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با روی کار آمدن ریاست جمهوری محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ می‌باشد. خاتمی با تشریح اصول گفتمان تنش‌زدایی در سیاست خارجی خویش، سیاست مبتنی بر گفتگو، تفاهم و مذاکره را جایگزین سیاست رادیکال مبتنی بر خشونت و زور و جنگ می‌نماید. (Wendt, 1999: 36).

۴- گفتمان سیاست خارجی دولت خاتمی

گفتمان خاتمی در سیاست خارجی با نام‌هایی چون فرهنگ‌گرای سیاست‌محور و یا صلح‌گرایی مردم‌سالار اسلامی شناخته می‌شود. ابعاد خارجی و فراملی اندیشه سیاسی وی تنها در قلمرو سیاست داخلی محدود نماند و تمامی سرای سیاست جهانی را عرصه فراگیری گفتمانی خود قرار داد. از جمله دقایق ناظر بر سیاست خارجی (فراملی- جهانی) گفتمان سیاسی خاتمی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: (رئیس‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۷)

در این زمینه ایده همکاری و نه ائتلاف با کشورهای حوزه خلیج فارس با هدف کاهش میزان تعارض‌های انجام شده از سوی آنها بر ضد کشور موضوعیت می‌یابد. تنش‌زدایی با هدف مهار جریان فزاینده این تعارضات و توسعه ناامنی در منطقه در دستور کار قرار می‌گیرد. همکاری می‌تواند چهره ایران را نزد این کشورها تغییر دهد و با حفظ روابط عادی دیپلماتیک در کاهش تنش و برطرف کردن تلقیات نادرست از نظام داخلی ایران و اهداف سیاست خارجی آن موثر افتد (Marschal, 2003: 74).

^۱ تفسیر سیاست خارجی ایران در دوره خاتمی بر مبنای انتقال از رادیکالیسم (افراطی‌گری و خشونت) به پراگماتیسم (واقع‌گرایی)، در راستای بازگشت به اصول و معیارهای جهانی شدن می‌باشد. در این زمینه ن.ک:

۵- شاخص‌های کلان اقتصادی در دوران ریاست جمهوری خاتمی

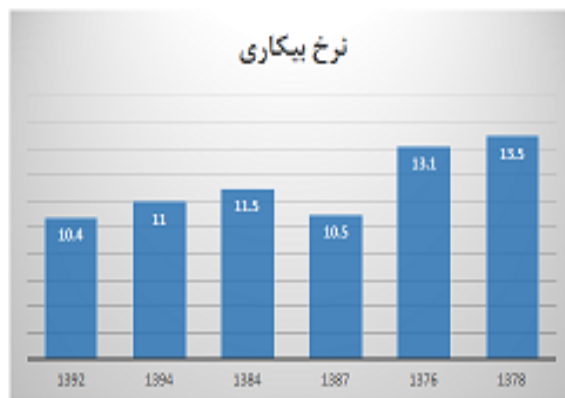
جدول ۱، شاخص‌های کلان اقتصادی ایران در خلال سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ به قرار زیر است

شاخص	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
نرخ تورم (برحسب درصد)	۱۰/۴							۳۰,۵	۴۰ درصد (مرداد)
ضریب جینی	۰/۴۲۴۸							۰/۳۶۴۳	
بودجه (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۱۵۵/۸							۵۶۶/۶	۷۲۷
معوقات بانکی (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۵/۱							۶۰	۸۰ (خرداد)
شاخص فلاکت	۲۰/۸							۴۲/۷	۴۸/۱
نفوذ بیمه (برحسب درصد)	۱/۲۷							۲	
رشد اقتصادی (برحسب درصد)	۶/۴							-۵/۸	-۵/۴
شاخص بورس (برحسب واحد)	۹۴۵۹							۳۸/۰۰۰	۵۷/۰۰۰ (تیر)
میزان بیکاری (برحسب درصد)	۱۰/۴							۱۲/۲	۱۰/۵
سرمایه‌گذاری خارجی (برحسب ۱۰۰۰ دلار)	۳۰۳۹۵۹۴	۱۷۸۹۱۸۷	۱۶۰۳۹۱۹	۱۷۳۲۹۱۴	۲۷۴۶۷۹۴	۲۴۰۳۸۷۴	۲۵۴۷۴۲۳	۴۸۵۰۰۰۰	
حداقل دستمزد (برحسب ۱۰۰۰ تومان)	۱۰۶							۳۸۹/۷	۴۸۹
تقدینگی (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۷۸/۴				۱۹۷			۴۶۴	۴۷۳
تولید روزانه نفت	۴۲۳۳				۳۷۲۵				۲۵۰۰

۵-۱- نرخ بیکاری

بحث اشتغال و پیچیدگی‌های آن در جهان پرشتاب امروز توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، دولت‌مردان و کارشناسان را به خود جلب نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). با این وجود، از دیرباز مسأله اشتغال و بیکاری یکی از عمده‌ترین مسائل اجتماعی اقتصادی گریبانگیر کشورهای در حال توسعه و به میزان کمتر چالش پیش‌روی کشورهای پیشرفته بوده است؛ به طوری که با استناد به گزارش سالانه سازمان بین‌المللی کار، روند بیکاری در جهان به میزان قابل توجهی افزایش یافته است (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸).

دولت خاتمی و دهم همواره اشتغال‌زایی را یکی از اهداف و سیاست‌های خود اعلام می‌کرد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی، رشد نرخ بیکاری را در این ۸ سال در مقایسه با نیم‌قرن گذشته بی‌سابقه عنوان می‌کنند. (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۰۱۲).



دولت‌ها	سال	نرخ بیکاری
روحانی	۱۳۹۲	۱۰٫۴
	۱۳۹۴	۱۱
احمدی نژاد	۱۳۸۴	۱۱٫۵
	۱۳۸۷	۱۰٫۵
خاتمی	۱۳۷۶	۱۳٫۱
	۱۳۷۸	۱۳٫۵



دولت‌ها	سال	تولید ناخالص ملی (میلیارد ریال)
روحانی	۱۳۹۲	۱٫۹۷۲٫۸۵۳
	۱۳۹۴	۲٫۰۳۱٫۵۹۶
احمدی نژاد	۱۳۸۴	۱٫۷۲۱٫۰۵۵
	۱۳۸۷	۲٫۷۱۷٫۸۳۹
خاتمی	۱۳۷۶	۲۵۲٫۵۴۷
	۱۳۷۸	۳۸۴٫۸۰۳
هاشمی	۱۳۶۸	۲۱٫۴۰۸
رفسنجانی	۱۳۷۰	۴۳٫۰۲۲

در دولت خاتمی سیاست خارجی ایران در رابطه با کشورهای اروپایی نیز با هدف تنش‌زدایی و در قالب تعامل با ملل متمدن دنیا معنایی دیگر می‌یابد. روابط ایران و اروپا که در چند دهه اخیر با فراز و فرودهای گوناگونی روبرو بود، با پیروزی انقلاب اسلامی به شدت تیره گشت. اوج تیرگی روابط مزبور، در دوران جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران، به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه‌ای که کشورهای اروپایی از عراق می‌نمودند، به اوج خود رسید. روابط ایران و اروپا در دولت خاتمی متحول گردید و به نقاط مشترک توسعه و پیشرفت با حفظ روابط متقابل بر اساس اصول گفتگو و تفاهم منجر گردید (طیب‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۷).

۸- مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه خاتمی

در دوره خاتمی جریان اصلاحات با گفتمان توسعه‌گرای سیاست محور، گفتمان نوینی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهد (حسن‌نیا مقدم و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۰). رویکرد کلی و تفکر حاکم در دوره ریاست جمهوری خاتمی، توسعه سیاسی و فرهنگی می‌باشد و بر این باور استوار است که لازمه دستیابی به توسعه، فراهم شدن توسعه سیاسی و ارتقای فرهنگ آن در کشور است (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۸). خاتمی با تحولاتی که دل در گرو جامعه مدنی، گفتگوی تمدن‌ها و حقوق شهروندی داشت، خواستار تحول فرهنگی-سیاسی زمانه‌اش بود؛ تحولی که نه منطقه بلکه عرصه بین‌المللی را نیز متأثر می‌سازد (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۱۰-۴). وی با تفسیر مترقیانه از اسلام و شریعت اسلامی، پلی میان دستاوردهای متمدنانه جامعه بشری با تاریخ اسلام و خواسته‌های کنونی بخش فرهیخته ملت ایران به وجود می‌آورد و از این طریق گام مهمی در ساخت و تکوین حقوق بشر در ایران پس از انقلاب در راستای توسعه سیاسی برمی‌دارد (ذاکریان، ۱۳۹۴: ۶۴).

خاتمی در داخل دست به اقداماتی اساسی در زمینه آزادی مطبوعات، تشریح حقوق شهروندی، تلاش در جهت تبیین مفاهیمی همچون آزادی، مردم‌سالاری، جامعه مدنی، اصلاحات و مشارکت عمومی، فعالیت آزادانه احزاب و گروه‌های سیاسی و می‌زند تا بتواند مطالبات مردم و به ویژه نخبگان جامعه را جامه عمل پوشاند و در عرصه بین‌المللی نیز با سیاست گفتگو، تفاهم و صلح، اسباب مراودات بین‌المللی را مهیا سازد. گفتمان خاتمی در عرصه بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران را از انزوا خارج می‌سازد و با طرح گفتگوی تمدن‌ها، گفتمان صلح و دوستی و جهانی‌سازی از جنگ را به تصویر می‌کشد. گفتگوی تمدن‌ها از مصادیق بارز توسعه سیاسی در عرصه نظام جهانی است که به ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری دموکراسی در سطح نظام بین‌المللی می‌انجامد. (دوست محمدی و اختیاری امیری، ۱۳۹۸: ۱۰۴)

۸-۱ - گفتگوی تمدن‌ها و دموکراسی بین‌المللی

^۱ در رابطه با تحلیل جامعه مدنی ن. ک:

رضوی، مسعود (۱۳۷۹). جامعه مدنی، دوم خرداد و خاتمی، تهران، فروزان روز.

^۲ در این زمینه مراجعه کنید به فصل سوم از رساله نگارنده تحت عنوان بررسی تأثیر اصلاح طلبان بر رابطه دولت و جامعه در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تابستان ۱۳۹۹.

مبانی گفتگوی تمدن‌ها؛ به عنوان یک نظریه صلح محور، بر اساس سه اصل کلی گفتگو و مفاهمه، شکوفایی انسان (به جای کاربرد مفهوم پیشرفت تاریخی)، آزادی و فرهنگ معنوی قرار دارد. گفتگوی تمدن‌ها با ارائه گونه‌ای تفسیر و فهم تازه نسبت به تجربه تاریخی مدرنیته غربی، سعی می‌کند با پذیرش هنجارها و قواعد جامعه بین‌المللی از فرصت‌ها و امکاناتش برای تأمین منافع ملی و کسب اعتبار بین‌المللی بهره‌مند شود (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۷).

وجه سیاسی گفتگوی تمدن‌ها به معنی تقدم فرهنگ، اخلاق و هنر بر سیاست است، به عبارت دیگر، فهم و تفسیر و اجرای سیاست باید ذیل فرهنگ و اخلاق و هنر صورت بگیرد، سیاست اگر رنگ اخلاق نداشته باشد و بویی از فرهنگ نبرده باشد از حقوق بشر و مصالح صلح جهانی دفاع نمی‌کند (خانیکی، ۱۳۸۷: ۶۲).

۹- بررسی نقش سیاست خارجی دولت خاتمی در شکل‌گیری توسعه سیاسی و تأثیرات آن بر نظام بین الملل

خاتمی گفتمان صلح و دوستی را محور سیاست خارجی خویش قرار می‌دهد. تأثیر گفتمان صلح محور خاتمی بر نظام بین‌الملل، تأثیری فزاینده است که عرصه نظام بین‌الملل را به مسیر صلح و دوستی هدایت می‌کند. در این دوره از سیاست خارجی ایران گفتمان توسعه‌گرای سیاست محور یا گفتمان مذاکره و قانون‌داری دو ستون اصلی در این برهه تاریخی می‌باشد؛ (قجری، ۱۳۸۸: ۵۶) الف- اصلاحات سیاسی در امور داخلی؛ ب- تنش‌زدایی در سیاست خارجی برای حل مشکلات ایران با سایر کشورها که هر یک به نوبه خویش تأثیراتی فزاینده بر روابط و نظام بین‌المللی دارند. در این برهه و در پرتو تحولات جدید منطقه‌ای، اصلی‌ترین چالش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهبود روابط با غرب و همسایگان خود و فائق آمدن بر فشارهای بین‌المللی در رابطه با مسأله هسته‌ای است که به نوبه خود اثرات مثبتی در سطح کلان بین‌المللی برجای می‌گذارد. در راستای مطالب مزبور توجه به این نکته حائز اهمیت است که چشم‌انداز رابطه سیاست خارجی در شکل‌گیری توسعه سیاسی ایران در این برهه تاریخی، به تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و امضای کنوانسیون حقوق زنان در سطح نظام بین‌المللی منجر گردید و در نهایت مکانیزم نظارت کشوری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بر جمهوری اسلامی در این دوره مرتفع گردید (ذاکریان، ۱۳۹۴: ۶۴). خاتمی با تأکید بر این که تأثیرات سیاسی از مهمترین تأثیرات گفتمان فکری اصلاح‌طلبی بر روابط و نظام بین‌المللی است، خاطر نشان می‌کند که گفتمان اصلاح‌طلبی علاوه بر این که در عرصه نظریه‌پردازی و نیز عرصه تحول فرهنگی بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده، به همان نسبت در عرصه سیاسی نیز نمود قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. پایان و گذار از ائتلاف امنیتی با غرب، نفی صهیونیسم جهانی، نفی انحصار طلبی، باز تعریف مقوله قدرت در سطح روابط بین‌الملل و نفی توسل به زور و منازعه، از مهمترین تأثیرات سیاسی گفتمان فکری خاتمی بر نظام بین‌المللی می‌باشد (Marschall, 2003: 21). توجه به این نکته حائز اهمیت است که عمل به بندهای مختلف مقرر شده در مواد یک و دو منشور سازمان ملل در هزاره سوم توسعه تدریجی روابط بین‌الملل را در راستای تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی مدنظر قرار می‌دهد که این امر به تبع خود، صلح مثبت را در پی خواهد داشت و ابزار رسیدن به این راهکار، ارتقای روابط بین‌المللی از طریق

^۱ Dialogue among civilizations

^۲ در این زمینه ن. ک:

Soltani, Fakhreddin a Reza Ekhtiari Amiri, (2010), Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution, Journal of Politics and Law, Vol 3, No. 2, September:199-206.

برقراری رابطه میان تمدن‌ها و یا همان گفتگوی تمدن‌هاست که در دوره ریاست جمهوری خاتمی رابطه سیاست خارجی در شکل‌گیری توسعه سیاسی و تأثیر بر نظام بین‌الملل را به تصویر می‌کشد (بابایی مهر و اسماعیل نسب، ۱۳۹۴: ۱۸۱). نفوذپذیری گفتمان سیاست خارجی دولت خاتمی فشارهایی را بر روی حاکمیت دولت‌ها وارد کرده است که سبب می‌شود در گذر زمان فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی در سطح ملی و خارجی تحت تأثیر قرار گیرد و چون بازیگران صحنه‌های بین‌المللی دریافته‌اند وقتی در نظام بین‌المللی تحولی رخ دهد، (رضائی، ۱۳۸۱: ۱۷).

۱۰- بخش نفت و گاز در دولت خاتمی

یکی از موتورهای اصلی تحرک اقتصاد کشور بخش نفت بوده که در سال‌های حکومت دولت نهم و هم با مشکلات فراوانی مواجه شده است. تولید نفت خام از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴ با روندی افزایشی از حدود ۳/۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۸۴ رسید، ولی از سال ۱۳۸۴ کاهش سرمایه‌گذاری در اکتشاف و تولید نفت باعث شد تولید روندی نزولی پیدا کند. صادرات نفت نیز به دلیل افزایش تحریم‌ها با محدودیت‌های زیادی مواجه شد؛ بنابراین یکی از اولویت‌های مهم کنونی دولت بازگرداندن تولید و صادرات نفت به ارقام سال‌های قبل از ۱۳۸۴ است. طی دوران دولت آقای خاتمی به رغم نیاز جدی کشور به انرژی و اولویت بسیار بالای بهره‌برداری از میادین مشترک هیچ یک از میدان‌های گازی جدید به بهره‌برداری کامل رسیده‌اند و در حال حاضر کشوری که از نظر حجم ذخایر گازی در مرتبه دوم جهانی قرار دارد، برای تامین انرژی داخلی خود نزدیک به ۳۸ میلیارد مترمکعب کسری دارد. از طرفی روابط مالی شرکت ملی پالایش و پخش و شرکت ملی گاز با خزانه و سازمان هدفمندی یارانه‌ها شفاف نبوده و برداشت از حساب این شرکت‌ها برای اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، این شرکت‌ها را با موانعی در تامین منابع مواجه کرده است. (آرامیان، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

نتیجه‌گیری:

با بررسی رابطه سیاست خارجی دولت خاتمی در بسط مولفه‌های توسعه سیاسی و تأثیرات آن بر نظام بین‌الملل به این نتیجه رسیدیم که سیاست خارجی دولت خاتمی با روش گفتگو و از طریق تعامل فرهنگی، الگویی جدید از روابط میان کشورها ارائه می‌دهد که به صلح پایدار، دوستی ملل و همبستگی متقابل میان کشورها منجر می‌گردد و این امر به نوبه خود اسباب تنش‌زایی و جنگ را در سطح کلان بین‌المللی مرتفع و باب صلح و دوستی در سطح جهان را باز می‌نماید. نقش پشوتوانه مردمی خاتمی و تأکید وی بر عواملی چون آزادی‌های سیاسی، حکومت قانون و ایجاد جامعه مدنی در داخل، از مهمترین شاکله‌های شکل‌گیری توسعه سیاسی در دوره ریاست جمهوری وی است که با تأکید بر سیاست تنش‌زدایی از سوی وی، ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام بین‌المللی را متأثر می‌سازد. سیاست خارجی دولت خاتمی با طرح اسباب گفتگو و مذاکره در راستای گفتمان تنش‌زدایی، برای نخستین بار جمهوری اسلامی را به بازیگری فعال در گستره نظام بین‌المللی مبدل می‌سازد. معنای این سخن آن است که در فضای ابهام‌آلود پس از جنگ سرد، سیاست تنش‌زدایی و منطق گفتگو و مفاهمه در سطح سیاست اعلامی، اجماع جهانی را کسب می‌نماید و بدین وسیله سطح بازیگری کشور ما را از حد پیرو به حد پیشگام در نظام بین‌المللی ارتقا می‌بخشد. غلبه بر حوادث خونبار و دهشت‌زای قرن بیستم فقط با تغییر اساسی در مبانی فکر سیاسی و همچنین تغییر پارادایم کنونی

روابط بین‌الملل و جایگزین کردن آن با طرحی نو مثل گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها امکان‌پذیر می‌شود که به نوبه خود معادلات بین‌المللی در نظام جهانی را متأثر و متحول می‌سازد. گفتمان تنش‌زدایی سیاست خارجی دولت خاتمی در راستای توسعه سیاسی به ایجاد موج دموکراسی‌خواهی در زمینه فعالیت آزادانه احزاب و مطبوعات، حقوق شهروندی و پذیرش طیف‌های مختلف فکری در درون جمهوری اسلامی ایران منجر گردید که به نوبه خویش با تأثیرات مثبتی که بر روابط و نظام بین‌الملل می‌گذارد، به دموکراسی بین‌المللی و میثاق صلح جهانی با تأکید بر پذیرش پلورالیسم فرهنگی منجر می‌گردد. خاتمی با بکارگیری ادبیات ایجابی توانست بر مفاهیم و انگاره‌های فرهنگی روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد که از جمله آن می‌توان به مواردی چون ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی، ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی، تقویت فرهنگ اصلاح‌طلبی، تقویت فعالیت‌های فکری و گفتگوی بین‌الذهانی و مهمتر از همه مطرح شدن ادبیات و آموزه‌های دینی در سطح روابط بین‌الملل، اشاره نمود.

با این اوصاف، سیاست خارجی دولت خاتمی با توجه به گفتمان همکاری و مشارکت با اعضای جامعه بین‌المللی به منظور تأمین منافع ملی و با هدف دوری‌جستن از هر گونه حرکت‌های اختلاف‌برانگیز و رادیکالی در سطح خارجی، روابط بین‌الملل را در راستای گفتمان دموکراسی‌خواهی و صلح‌دوستی که محور اساسی توسعه سیاسی است، متأثر می‌ساخت.

گذشته از اینکه سیاست خارجی خاتمی حوزه‌های سیاسی و فرهنگی در عرصه‌های نظام بین‌المللی را متأثر می‌ساخت، تأثیر گفتمان سیاست خارجی خاتمی در راستای رشد مولفه‌های توسعه سیاسی، توانست بر امور اقتصادی بین‌المللی نیز موثر افتد. این امر به نوبه خود فضای مستعدی در جهت ایجاد فعالیت‌های اقتصادی نظام بین‌المللی در بازار اقتصادی ایران فراهم می‌نمود.

منابع:

۱- منابع فارسی:

الف: کتاب

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه رحمان قهرمان پور و - مرتضی مساح، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.
- آقابخشی، علی و افشاری، مینو (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، انتشارات چاپار، چاپ ششم.
- حسینی، حسن (۱۳۷۸)، *حزب و توسعه سیاسی*، تهران، نشر آهن.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۷)، *در جهان گفتگو: بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم*، تهران، انتشارات هرمس.
- رضوی، مسعود (۱۳۷۹)، *جامعه مدنی، دوم خرداد و خاتمی*، تهران، فروزان روز.

- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۱)، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی دولت خاتمی: دیپلماسی تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها* (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، تهران، نشر کویر.
- طیب‌نیا، علی (۱۳۹۲)، *دولت نهم و دهم اشتباه دهه ۵۰ را تکرار کرد*، وب‌گاه روزنامه شرق، ۲۷ مرداد ۱۳۹۲.

ب. مقالات:

- اسدی، بیژن (۱۳۷۹)، «ایران و خلیج فارس: سیاست تنش‌زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۰۱۰-۱۰۱۸.
- آرامیان، راشل (۱۳۹۲)، *روزهای سخت شاخص‌های کلان، وب‌گاه. روزنامه شرق*، ۱۳ مرداد ۱۳۹۲.
- بابایی مهر، علی، اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۴)، «نقش گفتگوی تمدن‌ها در ارتقای حقوق بشر و گسترش صلح»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۱، شماره ۴، پاییز، صص ۱۹۵-۱۷۳.
- تاجیک، م. (۱۳۸۲). «مدرنیسم، پسامدرنیسم و معمای هویت». *فصلنامه گفتمان*. سال سوم، شماره هفتم، ۱-۲.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، «تنش‌زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۰۲.
- حسن‌نیا مقدم، سیدعباس و دیگران (۱۳۹۸)، *بررسی تطبیقی - تحلیلی گفتمان‌های رقیب در خاورمیانه: مطالعه موردی گفتمان‌های انقلاب اسلامی ایران، اخوانی سکولار ترکیه و سلفی - تکفیری عربستان سعودی*، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۶، شماره ۳ (۶۳)، زمستان، صص ۲۳-۵۲.
- دوست محمدی، حسین و اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۸). *توسعه سیاسی؛ بحران مشروعیت و کارآمدی در ایران و حکمرانی خوب؟*، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز، صص ۹۱-۱۲۳.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۴)، «دیدگاه‌ها و رویه‌های متناقض حقوق بشر در ایران پس از انقلاب»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۱، شماره ۴، بهار، صص ۷۳-۵۷.

- رضایی، علیرضا (۱۳۸۸)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۱۷، بهار، صص ۲۸۸-۲۶۱.
- رئیس‌زاده، مهدی (۱۳۹۲)، ریشه رشد تورم، وب‌گاه. روزنامه آرمان، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۴)، «با هاشمی رفسنجانی ۸ سال با سید محمد خاتمی»، *فصلنامه گزارش*، شماره ۱۶۲، فروردین، صص ۱۰-۶.
- طباطبایی‌یزدی، رؤیا (۱۳۹۰)، *اشتغال و بیکاری در ایران*، نشریه راهبرد، شماره بیستم.
- قجری، ح. (۱۳۸۸). *تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی در انقلاب اسلامی*. پژوهشنامه متین. دوره یازدهم، شماره ۴۵، ۱۰۵-۱۲۶.

د- سایت:

- امیدوار، کاوه (۱۳۸۷)، *بنیاد مستضعفان تاجر جدید نفت*، وب‌گاه. بی‌بی‌سی فارسی، ۴ تیر ۱۳۸۷.

۲- منابع انگلیسی:

- Christian Marschall (2003) , *Iran's Persian Gulf Policy From Khomeini to Khatami*, Routledge a Curzon.
- Katzenstein, peter (1996), *Cultural Norms and National Security*, Itnaca: Cornele university press.
- Marschall ,Christin (2003), *Iran's Persian Gulf Policy From Khomeini to Khatami*, Routledge a Curzon.
- Nugroho, Ganjar (2008), *Constructivism and International Relations Theories, Japan*, Global a Strategis, Th. II, No. 1.
- Orjita, Aloysius (2001), *Social constructivism in international and the gender dimension*, London: Macmillan and New York press.
- Soltani, Fakhreddin a Reza Ekhtiari Amiri, (2010), *Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution*, Journal of Politics and Law, Vol 3, No. 2, September:199-206.
- Wendt, A (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.